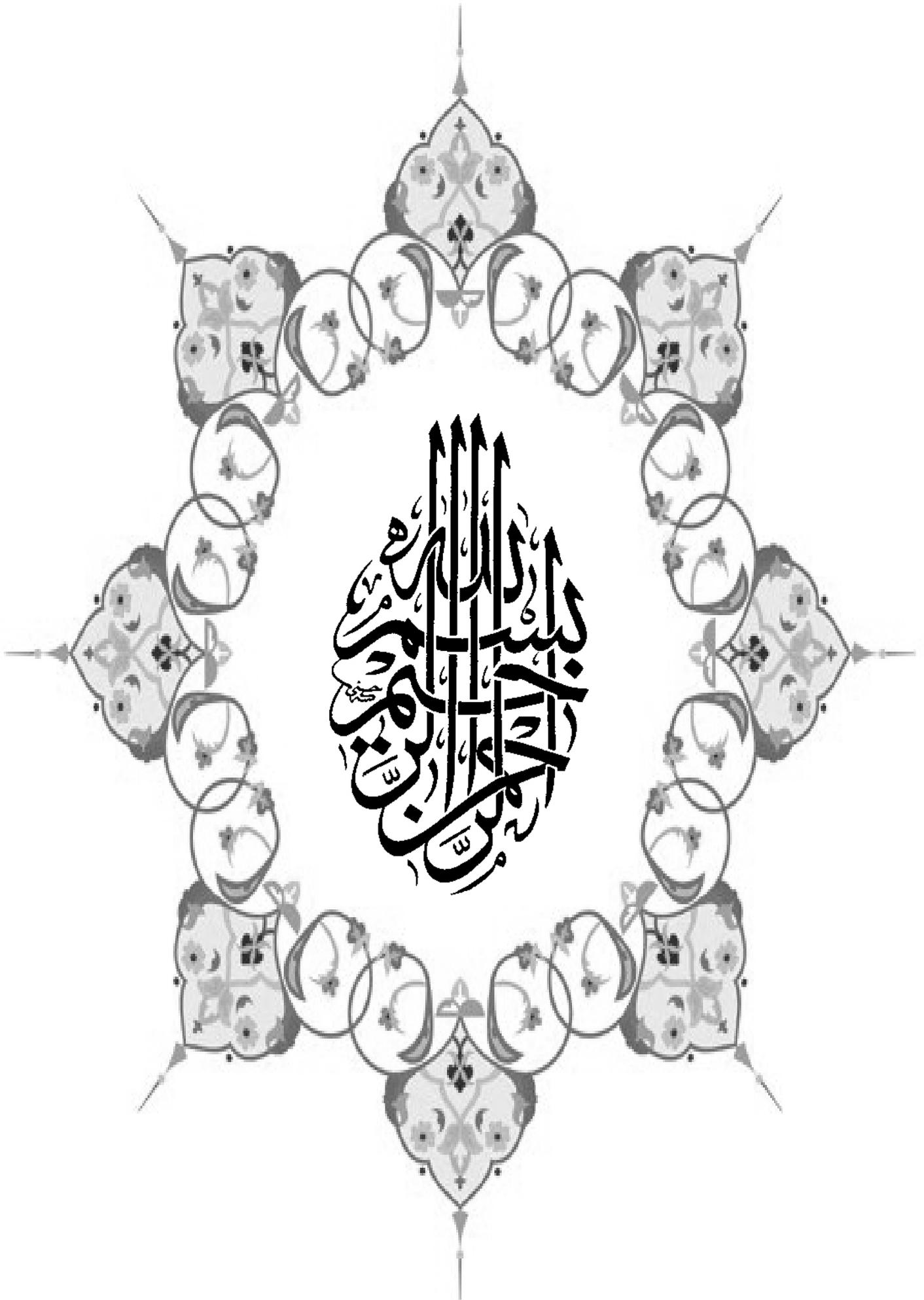
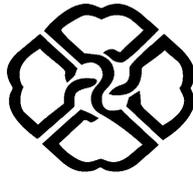


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِثْرَةَ حَبِّ
بُرِّ كَانَ لَهُ أَجْرًا مِثْرَةَ
جِبْرِ





دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

نقش ساختار اطلاعاتی در خروج بندهای موصولی در زبان فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی

نگارش:

افتخار شیخ‌الاسلامی

استاد راهنما:

دکتر علیرضا خرمایی

تیر ماه ۱۳۸۷



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی خانم افتخار شیخ الاسلامی

تحت عنوان

نقش ساختار اطلاعاتی در خروج بندهای موصولی در زبان فارسی

در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ توسط کمیته تخصصی زیر مورد بررسی قرار گرفت و با درجه **عالی** به تصویب رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه: دکتر علیرضا خرمایی

۲- استاد مشاور پایان نامه: دکتر غلامحسین کریمی دوستان

۳- استاد داور: دکتر محمد راسخ مهند

۴- استاد داور: آقای ابراهیم بدخشان

رئیس کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر نعمت الله عزیزی

سپاس یگانه معلم هستی را

پروردگار خویش را سپاسگزارم که عنایت بی‌پایانش همواره روشنگر راهم بوده و الطاف بی‌کرانش درهای دانش را به رویم گشوده است. کلیه مطالب و نکاتی که در طول دوران تحصیل فراگرفته‌ام مرهون لطف و عنایت خداوند متعال و به واسطه وجود اساتید بزرگواری بوده که با حلم و بردباری رنج تعلیم را به امید بهره‌مندی ما به جان پذیرفته‌اند. لذا طبق حدیث شریف « من لم یشکر الخالق لم یشکر المخلوق » بر خود لازم می‌دانم که از زحمات این بزرگواران تشکر و قدردانی نموده و از خداوند متعال توفیق روزافزون ایشان را طلب نمایم.

در این راستا نهایت سپاس و قدردانی خویش را نسبت به زحمات استاد گرامی جناب آقای دکتر خرمایی ابراز می‌نمایم که با در اختیار نهادن اوقات گرانبهای خویش، راهنمایی این پایان‌نامه را تقبل فرموده و در طول نگارش این پایان‌نامه، نکات لازم را یادآوری نمودند. همچنین زحمات بی‌دریغ استاد ارجمند جناب آقای دکتر کریمی‌دوستان را در ارائه مشاوره‌های ارزشمند ارج می‌نهم.

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این

پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

که همواره یاریم نمودند

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱ | چکیده..... |
| | فصل اول: مقدمه |
| ۲ | ۱-۱- بیان مسأله |
| ۳ | ۱-۱-۱- سوالات و فرضیه‌های تحقیق |
| ۴ | ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق |
| ۵ | ۱-۴- اهداف تحقیق |
| ۵ | ۱-۵- روش انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات..... |
| ۶ | ۱-۶- ساختار پایان نامه |
| | فصل دوم: پیشینه‌ی تحقیق |
| ۷ | ۲-۱- مقدمه |
| ۷ | ۲-۲- پیشینه‌ی مطالعات زبان شناسان غیرایرانی |
| ۷ | ۲-۲-۱- هاگک و نا |
| ۱۳ | ۲-۲-۲- شانن |
| ۱۴ | ۲-۲-۳- لمبرکت و مایکلز |
| ۱۵ | ۲-۲-۴- میلر |
| ۱۸ | ۲-۲-۵- ماینل |
| ۲۲ | ۲-۲-۶- کونووتاکامی |
| ۲۸ | ۲-۲-۷- کالتنباخ |
| ۳۴ | ۲-۲-۸- دیگران |
| ۳۶ | ۲-۳- پیشینه‌ی مطالعات زبان شناسان ایرانی..... |
| ۳۶ | ۲-۳-۱- سهیلی اصفهانی |
| ۳۷ | ۲-۳-۲- حاجتی |
| ۳۸ | ۲-۳-۳- غلامعلی زاده..... |
| ۴۱ | ۲-۳-۴- سلطانی |
| ۴۵ | ۲-۴- نتیجه‌گیری |
| | فصل سوم: چارچوب نظری |
| ۴۷ | ۳-۱- مقدمه |
| ۴۷ | ۳-۲- پیشینه‌ی ساختار اطلاعاتی |
| ۴۸ | ۳-۳- ساختار اطلاعاتی چیست؟ |
| ۴۹ | ۳-۴- حوزه‌ی ساختار اطلاعاتی |
| ۵۱ | ۳-۵- ساختار اطلاعاتی و دستور |
| ۵۲ | ۳-۶- جایگاه ساختار اطلاعاتی |

| | |
|----|--|
| ۵۳ | ۷-۳ ساختار اطلاعاتی و عالم مقال |
| ۵۴ | ۸-۳ مقوله‌های مطرح در ساختار اطلاعاتی |
| ۵۶ | ۱-۸-۳ اطلاع کهنه و اطلاع نو |
| ۶۰ | ۲-۸-۳ تفاوت اطلاعات و معنا |
| ۶۱ | ۳-۸-۳ پیش‌انگاره و ابراز |
| ۶۲ | ۴-۸-۳ انواع پیش‌انگاره |
| ۶۴ | ۵-۸-۳ قابلیت شناسایی و میزان فعال بودن |
| ۶۸ | ۶-۸-۳ قابلیت شناسایی و صورت جمله |
| ۷۰ | ۷-۸-۳ مبتدا و کانون |
| ۷۲ | ۹-۳ نتیجه‌گیری |

فصل چهارم: تحلیل داده‌ها

| | |
|-----|--|
| ۷۳ | ۱-۴ مقدمه |
| ۷۴ | ۲-۴ انواع بندهای موصولی |
| ۷۷ | ۳-۴ عوامل غیر کلامی مؤثر بر فرایند خروج |
| ۸۱ | ۴-۴ بررسی عوامل کلامی و اطلاعاتی مؤثر بر فرایند خروج |
| ۸۱ | ۱-۴-۴ خروج بندهای موصولی تحدیدی |
| ۱۱۶ | ۲-۴-۴ خروج بندهای موصولی غیرتحدیدی |
| ۱۲۵ | ۵-۴ نتیجه‌گیری |

فصل پنجم: خلاصه و نتیجه‌گیری

| | |
|-----|-------------------------------|
| ۱۲۶ | ۱-۵ مقدمه |
| ۱۲۶ | ۲-۵ نتایج تحقیق |
| ۱۳۲ | ۳-۵ پیشنهادات |
| ۱۳۳ | واژنامه‌ی فارسی-انگلیسی |
| ۱۳۷ | منابع |
| ۱۴۲ | چکیده‌ی انگلیسی |

فهرست جدول‌ها

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۸۹ | جدول ۴-۱: توزیع خروج و عدم خروج بندهای موصولی تحدیدی بر اساس نوع اطلاعات آنها..... |
| ۹۸ | جدول ۴-۲: توزیع خروج و عدم خروج بندهای موصولی تحدیدی حاوی اطلاع نو بر اساس نوع اطلاعات گزاره..... |
| ۱۰۶ | جدول ۴-۳: توزیع میزان خروج و عدم خروج بندهای موصولی بر اساس جایگاه آنها..... |
| ۱۰۷ | جدول ۴-۴: توزیع میزان خروج و عدم خروج بندهای موصولی در بخش‌های مختلف گزاره..... |
| ۱۱۱ | جدول ۴-۵: متوسط طول بندهای کهنه و نو در موارد خروج و عدم خروج بندهای موصولی..... |
| ۱۱۹ | جدول ۴-۶: توزیع خروج و عدم خروج بندهای موصولی غیرتحدیدی بر اساس نوع اطلاعات آنها..... |
| ۱۲۱ | جدول ۴-۷: توزیع میزان خروج و عدم خروج بندهای موصولی غیرتحدیدی بر اساس جایگاه آنها..... |
| ۱۲۲ | جدول ۴-۸: توزیع میزان خروج و عدم خروج بندهای موصولی غیرتحدیدی بر اساس جایگاه آنها..... |

فهرست نمودارها

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۱۰۵ | نمودار ۴-۱: درصد خروج و عدم خروج بندهای موصولی حاوی اطلاع نو و اطلاع کهنه..... |
| ۱۰۵ | نمودار ۴-۲: درصد خروج و عدم خروج بندهای موصولی حاوی اطلاع نو و اطلاع کهنه..... |
| ۱۰۶ | نمودار ۴-۳: درصد خروج بندهای موصولی حاوی اطلاع نو بر اساس جایگاه آنها..... |
| ۱۰۶ | نمودار ۴-۴: درصد خروج بندهای موصولی بر اساس جایگاه آنها..... |
| ۱۰۸ | نمودار ۴-۵: درصد خروج بندهای موصولی بر اساس جایگاه آنها در گزاره..... |
| ۱۰۸ | نمودار ۴-۶: درصد خروج و عدم خروج بندهای موصولی بر اساس جایگاه آنها در گزاره..... |
| ۱۲۲ | نمودار ۴-۷: درصد خروج بندهای موصولی غیرتحدیدی بر اساس جایگاه آنها..... |
| ۱۲۲ | نمودار ۴-۸: درصد خروج و عدم خروج بندهای موصولی غیرتحدیدی در بخش‌های مختلف گزاره..... |

چکیده

این تحقیق در چارچوب ساختار اطلاعاتی به بررسی عوامل و شرایط کلامی و اطلاعاتی مؤثر بر فرآیند خروج بندهای موصولی در زبان فارسی می پردازد. بررسی داده‌های طبیعی تحقیق حاضر که شامل ۲۲۰ جمله‌ی حاوی بندهای موصولی تحدیدی و غیرتحدیدی به همراه بافت طبیعی آنها است، نشان می‌دهد که ساختار اطلاعاتی موجود در کلام، مهم‌ترین عامل و انگیزه‌ی خروج یا عدم خروج بندهای موصولی تحدیدی و غیرتحدیدی است، به این صورت که تنها آن دسته از بندهای موصولی که حاوی اطلاع نو هستند می‌توانند دستخوش فرایند خروج شوند و خروج بندهای موصولی حاوی اطلاع کهنه امکان‌پذیر نیست.

همچنین در فرآیند خروج بندهای موصولی حاوی اطلاع نو که شامل بندهای تحدیدی و غیرتحدیدی می‌شود، عوامل و شرایط گوناگونی تأثیرگذار است. این عوامل در مورد بندهای موصولی تحدیدی عبارتند از: سازماندهی اطلاعات کهنه پیش از اطلاع نو، نحوه ارتباط جمله با کلام بعدی، بیان تأکید یا تقابل و تسهیل در پردازش جمله. بندهای موصولی غیرتحدیدی حاوی اطلاع نو نیز که در اکثر موارد تمایلی به جابجایی ندارند، تنها در صورتی می‌توانند دستخوش فرایند خروج شوند که پیش از فعل بند اصلی قرار داشته و اطلاعات آنها در راستای ادامه‌ی مطالب و گسترش در کلام بعدی باشد.

واژگان کلیدی: ساختار اطلاعاتی، خروج، بندهای موصولی تحدیدی و غیرتحدیدی

فصل اول

مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

امروزه «ساختار اطلاعاتی»^۱ از جمله مباحث مطرح در زبان‌شناسی است. در این مبحث، تأثیر ساختار اطلاعاتی بر صورت جمله، اعم از واج‌شناسی، ساخت واژه و نحو بررسی می‌شود. منظور از نحو، همان ترتیب سازه‌های جمله است. ساختار اطلاعاتی از طریق تأثیر بافت‌های زبانی و فرا زبانی بر صورت نحوی جمله، ترتیب سازه‌های آنرا مشخص می‌کند. یکی از نمونه‌های این امر را می‌توان در جملاتی دید که بند موصولی در اثر فرآیند خروج^۲، از گروه اسمی جدا گردیده و در پایان جمله، پس از فعل اصلی قرار می‌گیرد (۱-ب).

(۱) الف- کسانی که رضایت مخلوق را به بهای غضب خالق بخرند، رستگار نخواهند شد.

ب- کسانی رستگار نخواهند شد که رضایت مخلوق را به بهای غضب خالق بخرند.

کریستال^۳ (۱۹۹۲) پدیده‌ی خروج را فرآیند حرکت یا خروج یک عنصر از موقعیت طبیعی خود به

جایگاه آخر جمله می‌داند. تراسک^۴ (۱۹۹۳) نیز خروج را فرآیندی می‌داند که طی آن بخشی از یک گروه

^۱- information structure

^۲- extraposition

^۳- Crystal

^۴- Trask

اسمی به واسطه‌ی عناصری که در این فاصله می‌آیند از بقیه‌ی گروه جدا گردیده و در موقعیت آخر جمله قرار می‌گیرد.

مسأله‌ی خروج بندهای موصولی از آن جهت دارای اهمیت می‌باشد که ما شاهد رفتار متفاوت این بندها در رابطه با فرآیند خروج می‌باشیم به این صورت که خروج بندهای موصولی گاهی به صورت اختیاری، گاهی اجباری و در بعضی موارد اصولاً امکان‌پذیر نیست.

۱-۲- سئوالات و فرضیه‌های تحقیق

یکی از سئوالات اساسی در تحلیل‌های دستوری، انتخاب بین دو گونه‌ی ساختاری متفاوت است که دارای معنای گزاره‌ای کم و بیش یکسانی هستند. معمولاً برای بیان یک «محتوای گزاره‌ای»^۱ واحد، دستور زبان مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را در دسترس ما قرار می‌دهد و ما بر اساس شرایط کلامی متفاوت، از بین صورت‌های نحوی که در اختیار داریم، گونه‌ی مناسب را انتخاب می‌کنیم. بنابراین این انتخاب، تصادفی نیست.

مطالعه‌ی ارتباط بین نحو و نقش‌های کلامی، نشان می‌دهد که افراد از گونه‌های ساختاری متفاوت برای بیان مقاصد کاربردشناسی خاصی استفاده می‌کنند. در رابطه با فرآیند خروج و انتخاب بین دو گونه‌ی خروج یافته و عدم خروج نیز ما به دنبال پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر هستیم:

۱- مهم‌ترین عامل مؤثر در خروج یا عدم خروج بندهای موصولی در زبان فارسی کدام است؟

۲- «خروج اختیاری»^۲ «بندهای موصولی تحدیدی»^۳ در زبان فارسی تحت چه شرایطی روی می‌دهد؟

۳- خروج «بندهای موصولی غیر تحدیدی»^۴ در زبان فارسی تحت چه شرایطی روی می‌دهد؟

1- propositional content

2- optional extraposition

3- restrictive relative clause

4- nonrestrictive relative clause

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

- ۱- ساختار اطلاعاتی موجود در کلام، مهم‌ترین انگیزه و عامل مؤثر در خروج بندهای موصولی در زبان فارسی است، به این صورت که فقط بندهایی که حاوی «اطلاع نو»^۱ باشند می‌توانند خارج شوند و بندهای حاوی «اطلاع کهنه»^۲، اجازه‌ی خروج ندارند.
- ۲- میل طبیعی زبانها به قرار گرفتن اطلاع نو پس از اطلاع کهنه، بیان تأکید و تقابل، نحوه ارتباط جمله با کلام بعدی، تسهیل در پردازش جمله و فاصله‌ی هسته تا بند موصولی خروج یافته از جمله شرایطی هستند که باعث خروج اختیاری بندهای موصولی تحدیدی می‌شوند.
- ۳- خروج بندهای موصولی غیر تحدیدی در شرایطی امکان‌پذیر است که این بندها در نزدیکی فعل بند اصلی قرار داشته و اطلاعات آنها در راستای ادامه‌ی مطالب و گسترش آن در کلام بعدی باشد.

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

در فرآیند خروج، گرچه به ظاهر شاهد یک حرکت نحوی می‌باشیم و افراد بسیاری آن را صرفاً از این دیدگاه مورد بررسی قرار داده‌اند، اما علت و انگیزه آن را باید در جای دیگر جستجو کرد زیرا حتی بسیاری از کسانی که این فرآیند را از دیدگاه نحوی و صوری مورد بررسی قرار داده‌اند به این مطلب اذعان دارند که حرکت سازه‌ها در پدیده‌هایی مانند خروج، به تبعیت از عوامل کلامی و اطلاعاتی است (برای مثال: کریمی، ۲۰۰۱: ۹۳) چرا که اصولاً ارتباط تنگاتنگی بین این دو حوزه یعنی نحو و کلام وجود دارد و درک کامل برخی ویژگی‌های نحوی و صوری جمله، بدون در نظر گرفتن بافت زبانی و فرازبانی و تأثیر آن بر ساخت نحوی جمله امکان‌پذیر نیست. بنابراین برای دستیابی به توصیفی جامع از این پدیده‌ی نحوی، باید از محدوده‌ی نحو فراتر رفته و استدلال‌های کلامی و اطلاعاتی را نیز مورد توجه قرار داد.

¹- new information

²- old information

از آنجا که دلایل نحوی به تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی همه‌ی مسایل، خصوصاً در رابطه با فرآیند خروج اختیاری باشند و اکثر کارهای انجام گرفته در این زمینه صرفاً جنبه‌ی نحوی و صوری داشته و به مسایل کلامی و اطلاعاتی بسیار کم پرداخته شده و در زبان فارسی نیز هیچ‌گونه پژوهشی در این زمینه صورت نپذیرفته است، در این تحقیق سعی داریم خروج بندهای موصولی در زبان فارسی را از این دیدگاه مورد بررسی قرار دهیم و به تبیین چگونگی تأثیر ساختار اطلاعاتی بر خروج یا عدم خروج بندهای موصولی و عوامل و شرایط کلامی انتخاب بین خروج یا عدم خروج پردازیم.

۱-۴- اهداف تحقیق

از آنجا که ساختار اطلاعاتی، امروزه یکی از مباحث مطرح در زبان‌شناسی است و به عنوان بخشی از دستور جمله، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساخت صوری جملات و ترتیب سازه‌ها یعنی نحو جمله بر عهده دارد، مطرح نمودن بحث‌های کلامی در حوزه‌ی نحو می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسایلی باشد که در این زمینه هنوز حل نشده باقی مانده است.

همچنین با به محک کشیدن تحلیل‌های کلامی ارائه شده در این زمینه و به آزمون گذاشتن آنها در مورد داده‌های زبان فارسی می‌توان به عوامل و شرایط حاکم بر فرآیند خروج یا عدم خروج بندهای موصولی در زبان فارسی پی برد و محدودیت‌های کلامی این فرایند را از دیدگاه ساختار اطلاعاتی تبیین نمود. علاوه بر این، این گونه تحقیقات می‌توانند زمینه‌ساز بررسی سایر پدیده‌های نحوی از این دیدگاه باشند و راه را برای کسانی که قصد دارند در این زمینه‌ها به پژوهش پردازند، هموار سازد.

۱-۵- روش انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات

روش انجام تحقیق حاضر، تحلیلی- توصیفی می‌باشد. این تحقیق با بررسی، تحلیل و مقایسه‌ی اطلاعات موجود در پیکره‌ی زبانی، در چارچوب ساختار اطلاعاتی به توصیف عوامل، شرایط و محدودیت

های کلامی و اطلاعاتی حاکم بر فرایند خروج یا عدم خروج بندهای موصولی در زبان فارسی می‌پردازد و مطالعات قبلی در این خصوص را مورد بررسی قرار خواهد داد.

داده‌های این تحقیق شامل ۲۲۰ جمله‌ی حاوی بندهای موصولیِ تحدیدی و غیرتحدیدی به همراه بافت طبیعی آنها است که از این میان، ۱۳۰ مورد فرآیند خروج و ۹۰ مورد عدم خروج است. همچنین از این تعداد، ۱۷۰ مورد حاوی بندهای موصولیِ تحدیدی و ۵۰ مورد حاوی بندهای موصولی غیرتحدیدی است. این داده‌ها بر گرفته از متون نوشتاری فارسی معیار است و از روزنامه‌ها، مجلات و کتابهای مختلف (علمی، داستانی، نمایش نامه و...) جمع‌آوری شده است.

۱-۶- ساختار پایان‌نامه

تحقیق حاضر دارای پنج فصل شامل فصل حاضر و چهار فصل دیگر است. فصل دوم به پیشینه‌ی تحقیق و کارهای انجام گرفته در این زمینه می‌پردازد و شامل دو بخش است. ابتدا آثار زبان‌شناسان غیر ایرانی و سپس کارهای زبان‌شناسان ایرانی مرور می‌شود. فصل سوم به بیان چارچوب نظری و مقولات مطرح در این زمینه یعنی ساختار اطلاعاتی اختصاص یافته است. فصل چهارم به تحلیل داده‌ها و بررسی نتایج حاصل از آن می‌پردازد. فصل پنجم به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و بیان پیشنهاداتی جهت انجام تحقیقات آتی اختصاص دارد. در انتها نیز واژه‌نامه‌ی تخصصی فارسی-انگلیسی ارائه گردیده است.

فصل دوم

پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱- مقدمه

در این فصل به بررسی پیشینه‌ی تحقیق و بیان نظرات افرادی که مسأله‌ی خروج را از دیدگاه کلامی و اطلاعاتی مورد مطالعه قرار داده و یا به این مسأله اشاره کرده‌اند می‌پردازیم که در دو بخش ارائه می‌گردد. ابتدا کارهای انجام گرفته توسط زبان‌شناسان غیر ایرانی در این زمینه مطرح می‌شود، سپس دیدگاه زبان‌شناسان ایرانی که مسأله‌ی خروج را در زبان فارسی مورد مطالعه قرار داده‌اند بیان می‌گردد. البته از آنجا که بررسی جامعی در زمینه‌ی عوامل و شرایط کلامی و اطلاعاتی فرآیند خروج در زبان فارسی صورت نگرفته است این مطالب، تنها در حد اشاره و بیان مسایل کلی است که در کنار بررسی‌های نحوی صورت پذیرفته است.

۲-۲- پیشینه‌ی مطالعات زبان‌شناسان غیر ایرانی

۲-۱-۲- هاک و نا^۱

هاک و نا (۱۹۹۰: ۵۱) به دنبال پاسخی برای این پرسش هستند که چرا برای خروج سازه‌ها از

«گروه‌های اسمی معرفه»^۲، محدودیت وجود دارد، در صورتی که چنین محدودیتی در مورد «گروه‌های

^۱ - Huck & Na

^۲ - definite NP

اسمی نکره» وجود ندارد. آنها در پاسخ به این پرسش، «نظریه‌ی کانون»^۱ را مطرح می‌کنند که این رفتار را کنترل می‌کند و نقش مهمی در تعیین عوامل کلامی مؤثر بر فرآیند خروج از گروه اسمی دارد. به اعتقاد آنها، خروج نقش مهمی در سازماندهی اطلاعات جمله در مدل کلامی دارد و محدودیت‌های موجود، نتیجه‌ی الزاماتی است که برای سازماندهی اطلاعات و اجرای این طرح‌ها وجود دارد.

«محدودیت معرفگی»^۲ مطرح شده، بیانگر این مطلب است که مواردی وجود دارد که در اثر خروج سازه از گروه اسمی نکره، جمله‌ی حاصل قابل قبول است اما با جایگزینی گروه اسمی نکره با یک گروه اسمی معرفه، این جمله دیگر قابل قبول نیست. آنها این مطلب را با مثالی از زیو و کول^۳ (۱۹۷۴)، به نقل از هاک و نا، (۱۹۹۰: ۵۲) نشان می‌دهند:

(۱) الف – A guy that I met at Treno’s yesterday just came in.

ب – A guy just came in that I met at Treno’s yesterday.

(۲) الف – The guy that I met at Treno’s yesterday just came in.

ب ؟ ؟ – The guy just came in that I met at Treno's yesterday.

زیو و کول درباره‌ی تفاوت بین (۱) و (۲)، دو اصل را بیان می‌کنند: اول اینکه گروه‌های اسمی معرفه‌ای که عنصری از آنها خارج شده است، از لحاظ معنایی نقشی شبیه اسم خاص دارند. چون اسم خاص از پیش شناسایی شده و یک عبارت ارجاعی کامل است، وقتی به عنوان هسته‌ی ساخت موصولی عمل می‌کند، نمی‌تواند به وسیله‌ی بند موصولی خروج یافته که نقش آن شناسایی هسته است، دنبال شود. به همین قیاس، گروه‌های اسمی معرفه نیز در حکم اسم‌های خاص هستند و بند موصولی خروج یافته نمی‌تواند در پی آنها بیاید. در «۲-ب» اگر «the guy» یک عبارت ارجاعی کامل در نظر گرفته شود، مانند جمله‌ی (۳) غیرقابل قبول می‌شود (هاک و نا، ۱۹۹۰: ۵۳):

(۳) * John Smith is here who has three ears.

^۱ - focus theory

^۲ - definiteness restriction

^۳ - Zive & Cole

مطلب دومی که آنها مطرح می‌کنند این است که وقتی یک بند موصولی تحدیدی خارج می‌شود، ابراز^۱ جمله را تشکیل می‌دهد و دیگر آن نقش تشخیصی را که معمولاً توصیف‌گرها به عهده دارند، دارا نمی‌باشد.

به اعتقاد هاک و نا (۱۹۹۰: ۵۴) رویکرد زیو و کول خواه درست بوده و کارایی داشته باشد و خواه این گونه نباشد، به هر حال دارای مشکلاتی اساسی است زیرا آنها انتظار دارند که «۲-ب» در هر شرایطی، غیرقابل قبول باشد. اما درحقیقت این جمله هنگامی که یکی از عناصر بند موصولی خروج یافته تکیه گرفته باشد، دریک بافت تقابلی، کاملاً قابل پذیرش است. آنها بافتی را توصیف می‌کنند که گوینده در مورد دو نفر مشغول صحبت است که یکی را در Treno's و دیگری را در جای دیگر (Andrea's) ملاقات کرده است. در این هنگام اگر نفر اول وارد شود، گوینده این جمله را بیان می‌کند:^۲

(۴) The guy just came in that I met at TRENO'S yesterday.

تأکید موجود در TRENO'S بیانگر تقابل آن با شخصی است که گوینده در Andrea's ملاقات کرده است. در این مثال گروه اسمی فاعلی به شخصی اشاره دارد که قبلاً در «زمینه‌ی مشترک»^۳ کلامی بوده و گوینده درباره‌ی این شخص، قبلاً صحبت کرده است. بنابراین اطلاعات موجود در بند موصولی، نو نیست. همچنین استفاده از گروه اسمی معرفه، اشاره به این دارد که مصداق آن در کلام برای مخاطب آشنا است. بر این اساس، هاک و نا استدلال می‌کنند که خروج در صورتی امکان‌پذیر است که بین وضعیت اطلاعاتی گروه اسمی معرفه و بند موصولی هماهنگی باشد و در صورت عدم هماهنگی بین این دو، خروج امکان‌پذیر نیست. با این فرض، تنها راه عدم هماهنگی آنها، این است که ویژگی بیان شده توسط بند موصولی در کلام، نو باشد. به بیان دیگر از دیدگاه آنها، خروج بند موصولی از گروه اسمی معرفه به شرطی قابل قبول است که

^۱ - assertion

^۲ - حروف بزرگ نشانه محل تکیه است.

^۳ - common ground